

توصیف و تبیین ویژگی‌های جمعیتی کشور

مجری طرح

جعفر صادقی نامور

گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی

پژوهشکده‌ی آمار

بهار ۱۳۸۷

به نام خداوند جان و خرد

پیش‌گفتار

سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن یکی از عمده‌ترین راه‌های شناخت کشورها از ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی برای برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی خدمات و فعالیت‌های ملی و منطقه‌ای است. امروزه در اغلب کشورها سرشماری‌های نفوس به فاصله‌ی ۵ یا ۱۰ سال یک بار به مرحله‌ی اجرا در می‌آید. در جمهوری اسلامی ایران نیز سرشماری عمومی نفوس و مسکن مطابق ماده‌ی ۴ قانون مرکز آمار ایران، هر ده سال یک بار با فرمان رئیس جمهوری اجرا می‌شود. این سرشماری در سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ منطبق با جدیدترین روش‌های علمی به مرحله اجرا درآمده است.

از آنجایی که در این سرشماری‌ها، جمعیت به‌عنوان محور و هدف توسعه، از ابعاد مختلف مورد توجه قرار می‌گیرد و اطلاعات به تفصیل گردآوری می‌شود، لذا از منابع بسیار غنی در شناخت ویژگی‌های جمعیتی کشور محسوب می‌شوند.

اگرچه داده‌های خام سرشماری فی‌نفسه نمادهای گویایی از خصیصه‌های مختلف جمعیت یک جامعه‌اند، اما ارزش واقعی آن‌ها زمانی پدیدار می‌شود که توسط اهل فن با رویکرد به پیوندهای متقابل پدیده‌ها تحلیل و تفسیر شوند. به منظور حصول به این گونه تحلیل‌ها، پژوهشکده‌ی آمار برای اولین بار با کمک پژوهشگران و صاحب‌نظران اجتماعی، اقتصادی و آماری اقدام به انجام طرح‌های پژوهشی

در ابعاد گسترده در زمینه تحلیل ویژگی‌های جمعیتی، مسکن، امکانات و تسهیلات، مهاجرت (داخلی، خارجی)، آموزش، دین و شاخص‌های رفاهی نموده است.

مجموعه حاضر یکی طرح‌های انجام شده در زمینه تحلیل نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ می‌باشد که امید است پاسخگوی بخشی از نیاز کاربران باشد.

گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی

فهرست مندرجات

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱	۱- مقدمه
۱	۲- سابقه سرشماری عمومی نفوس و مسکن
۳	۳- تعاریف و مفاهیم
۱۲	۴- توزیع جغرافیایی جمعیت و میزان رشد آن
۲۰	۵- توزیع جنسی جمعیت
۲۵	۶- توزیع سنی جمعیت
۲۵	۶-۱- مقدمه
۲۵	۶-۲- آزمون ۴۰ درصد جمعیت ایران
۲۸	۶-۳- نسبت بستگی
۲۹	۶-۴- توزیع نسبت بستگی
۳۵	۶-۵- نسبت بستگی در استان‌های کشور
۳۶	۶-۶- هرم سنی
۳۹	۶-۷- میانگین سنی
۴۰	۶-۸- میانه سنی
۴۲	۷- وضع زناشویی
۵۳	۸- جمعیت کشور برحسب دین
۵۸	۹- جمعیت برحسب محل تولد
۶۳	۱۰- تابعیت
۶۶	۱۱- جمعیت برحسب نوع خانوار
۷۲	۱۲- سواد
۷۸	۱۳- وضع فعالیت
۹۴	منابع و ماخذ

سرشماری عمومی نفوس و مسکن طبق قانون هر ده سال یک بار انجام می‌گیرد و نتایج آن در سطح وسیعی مورد استفاده برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیرندگان قرار می‌گیرد، ولی تجزیه و تحلیل نتایج سرشماری در موارد معدودی صورت می‌گیرد. این امر که در حوزه اساتید و کارشناسان جمعیت‌شناس است به طور شایسته مورد عنایت قرار نگرفته است. آنچه که واقعیت دارد تحولی است که طی چند دهه در جمعیت کشور حاصل شده است و اثرات آن در حال حاضر و در سال‌های آتی در جمعیت کشور مشخص می‌شود از جمله این تحولات می‌توان به ترکیب سنی و تغییرات به وجود آمده در آن و تحول جمعیتی در مناطق جغرافیایی و شهر و روستا اشاره کرد. پژوهشکده آمار در اقدام شایسته‌ای بررسی نتایج سرشماری را در زمینه‌های مختلف در دستور کار خود قرار داده است که در این رابطه توصیف و تبیین ویژگی‌های جمعیتی کشور در این گزارش تهیه و ارائه شده است.

۲- سابقه سرشماری عمومی نفوس و مسکن

در ارتباط با سابقه سرشماری مقالات متعددی در مجلات و نشریات جمعیتی به چشم می‌خورد که مطالب آن‌ها اکثراً تکراری است. شاید تحقیق دوست و همکار عزیز جناب آقای غلامرضا هوشمند در زمینه سابقه سرشماری‌های نفوس جامع‌ترین آن‌ها باشد، چرا که ایشان سعی کرده‌اند با گردآوری نتایج تحقیقات انجام گرفته در یک نشریه مجموعه کاملی را در ارتباط با سابقه سرشماری در اختیار علاقمندان قرار دهند با توجه به هدف این پژوهش در این جا به دنبال بررسی سابقه سرشماری نیستیم ولی برای ورود به مطلب اشاره‌ای به سابقه سرشماری نفوس لازم است نقل قسمتی از مقدمه‌ای که استاد ارجمند جناب آقای دکتر حبیب ا... زنجانی بر کار آقای هوشمند نوشته‌اند با توجه به خلاصه بودن و شیوایی قلم ایشان به عنوان سابقه سرشماری نفوس در ایران برای منظور فوق کفایت می‌کند.

اطلاعات جمعیتی از منابع مختلف به دست می‌آیند گرچه کامل‌ترین آن‌ها را سرشماری‌ها، ثبت وقایع جمعیتی و مطالعات موردی تشکیل می‌دهند لیکن هیچ‌یک از آن‌ها در گذشته‌های دور حداقل به صورتی که در حال حاضر تعریف شده‌اند وجود نداشته‌اند. آثار و نشانه‌هایی در اسناد و نوشته‌های تاریخی و یا سفرنامه‌ها و نظایر آن دیده می‌شود که حاکی از نوعی سرشماری‌های جمعیتی در گذشته‌های بسیار دور در کشورهای مصر، چین، رم و ایران است. لیکن چون این رخدادها در زمانی صورت گرفته‌اند که تعریف همه جا شمولی از جمعیت و سازندهای جمعیتی به قصد شناخت تعداد، توزیع، اجزاء تشکیل دهنده جمعیت و مهم‌تر از همه، عوامل مهم و مؤثر بر تحول آن وجود نداشته است و گردآوری آمار و ارقام جمعیتی نیز از زمان‌بندی مشخصی پیروی نمی‌کرده و گاهی بین دو اقدام متوالی از این نوع قرن‌ها فاصله می‌افتاده است از این‌رو نمی‌توان از آن‌ها به عنوان منابع مهم و قابل استناد جمعیتی نام برد. قرن‌ها طول کشیده است تا چنین تلاش‌هایی به استقرار تدریجی چارچوب‌های علمی و فنی بیانجامند و سه ویژگی اصلی زیر را ایجاد، تقویت و تکمیل کنند:

۱- جامع و مانع بودن تعریف‌ها

۲- جمع‌آوری داده‌ها در فاصله‌های زمانی معین

۳- قابل قیاس بودن داده‌ها و یا قیاس‌پذیر ساختن آن‌ها

۴- نخستین داده‌های جمعیتی که واجد چنین مشخصاتی بوده و یا روند رسیدن به آن را تسهیل کرده‌اند با سرشماری‌های قرن هفدهم میلادی آغاز شده‌اند هر چند که برخی از اقدامات قرن پازدهم و شانزدهم میلادی را نیز باید سرآغاز این عصر محسوب داشت. در ایران این امر با تاخیر زمانی زیادی آغاز شد. سرشماری‌های دوران ناصری به ویژه سرشماری‌های ۱۲۶۲، ۱۲۷۰، شهر تهران نمونه‌های اولیه آن بودند و سرشماری‌های بعدی در سال‌های ۱۳۰۱ و ۱۳۱۱ که همچون سرشماری‌های قبلی توسط دایره احصائیه سرویس معارف بلدیة تهران انجام شدند به استقرار تعاریف مشخص و چارچوب‌های علمی‌تری انجامیدند. اولین قانون سرشماری‌های

کشور که در سال ۱۲۹۷ جزء وظایف اداره کل ثبت احوال قرار گرفته و به تصویب مجلس نیز رسیده بود به علل گوناگون تا سال ۱۳۱۸ به موقع اجرا گذاشته نشد تا آنکه در خرداد سال ۱۳۱۸ اصلاحاتی در آن صورت گرفت و دستور انجام سرشماری از شهرهای کشور صادر شد. کاشان اولین شهری بود که در تاریخ ۱۳۱۸/۴/۱ مورد سرشماری قرار گرفت، سرشماری از تهران روز جمعه ۱۳۱۸/۱۲/۱۰ به عمل آمد و گنبد قابوس آخرین شهری بود که در تاریخ ۱۳۲۰/۶/۲ مورد شمارش جمعیتی واقع شد. از سوم شهریور ماه ۱۳۲۰ کشور اشغال نظامی شد، شیرازه امور از هم پاشید و سرشماری از شهرهای کشور نیز ناتمام ماند. از تاریخ ۱۳۱۸/۴/۱ تا ۱۳۲۰/۶/۲ جمعاً ۳۵ شهر کشور مورد سرشماری قرار گرفت که پرجمعیت‌ترین آن‌ها شهر تهران ۵۴۰۰۸۷ نفر و کم جمعیت‌ترین آن‌ها شهر فیروزکوه ۳۰۴۱ نفر جمعیت داشت. مجموع جمعیت ۳۵ شهر سرشماری شده در فاصله ۲۶ ماهه تیر ماه ۱۳۸۱ تا شهریور ماه ۱۳۲۰ شمسی ۲۲۶۴۸۶۶ نفر بود. ناگفته نماند که نتیجه سرشماری از شهر تهران مورد رضایت شاه واقع نشد زیرا ایشان میل داشتند پایتخت جمعیتی بیش از آنچه که سرشماری نشان داد داشته باشد. گرچه این سرشماری نیز نتوانست کل سرزمین و جمعیتی را که در آن زندگی می‌کردند تحت پوشش قرار دهد و به یک شمارش هم‌زمان از کلیه افراد جمعیت پردازد لیکن در مقایسه با سرشماری‌های قبلی که فقط از تهران و چند شهر بزرگ صورت گرفته بود شمول گسترده‌تری داشت و در صورتی که کشور مورد اشغال بیگانگان قرار نمی‌گرفت می‌توانست تصویر گویاتری از ترکیب، توزیع و ساخت جمعیت کشور را به دست دهد.

همان‌طور که گفته شد سرشماری باید کل سرزمین و جمعیتی را که در آن زندگی می‌کنند پوشش دهد پاسخ‌های دقیق‌تری به سؤالات خود کسب کند و تصویر روشن‌تری از ویژگی‌های جمعیت را در زمان سرشماری به دست دهد کسب پاسخ‌های درست و دقیق به سؤالات سرشماری مهم‌ترین وظیفه و رسالت

سرشماری است. سهل‌انگاری در این زمینه نه تنها به تلمبار شدن اطلاعاتی ناقص و اتلاف وقت و بودجه می‌انجامد بلکه بالاتر از آن دو زیان جبران‌ناپذیر دیگر را نیز به همراه می‌آورد:

۱- برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی را به بیراهه می‌کشد و روحیه کلی‌گویی و کلی‌نگری را به دنبال می‌آورد.

۲- به حساسیت جامعه و مخصوصاً مجامع علمی و برنامه‌ریزی در مورد یافته‌های آماری و اهمیت آن در تحلیل مسائل اجتماعی لطمه می‌زند و به تدریج یکی از مهم‌ترین ابزارهای تصمیم‌گیری را خالی از محتوا کرده و نمایش آماری را جایگزین تحلیل آن می‌سازد. پایین بودن درجه دقت و صحت سرشماری‌ها و بی‌اعتمادی به یافته‌های آنها بررسی‌های دیگری را می‌طلبد و چون این بررسی‌ها نیز در جامعه‌ای صورت می‌گیرد که اعتماد افرادش به یافته‌های آماری تضعیف شده است خود به خود به پاسخ‌های نادرست‌تری می‌انجامد و مجموعه‌های ناهماهنگ‌تری را به دست می‌دهد. درست به همین دلیل است که در اغلب کشورهای رو به رشد، آمارها کم‌تر جنبه کاربردی پیدا می‌کنند و به رغم آن که در بسیاری از زمینه‌ها اطلاعاتی جمع‌آوری می‌شوند ولی به ندرت مورد استفاده علمی قرار می‌گیرند.

سؤالاتی که در سرشماری‌های نفوس و مسکن مطرح می‌شوند باید ویژگی‌های اصلی جمعیت را به دست دهند. در بعضی از کشورها از سرشماری به عنوان فرصتی طلایی برای جمع‌آوری اطلاعاتی گوناگون استفاده می‌کنند. گرچه این امر یعنی هم‌زمانی یافته‌های آماری در زمینه‌های مختلف و هم‌سانی دقت و صحت آنها در مقیاس وسیعی می‌تواند کار برنامه‌ریزی را تسهیل کند لیکن تعداد سؤالات و پرداختن به مسائل تفصیلی حتی زمانی که آگاه‌ترین فرد خانوار پاسخگوی سؤالات باشد موجب خستگی و بی‌حوصلگی شده و دقت سرشماری را کاهش می‌دهد. به هنگام سرشماری معمولاً سرپرست واقعی (و نه سرپرست منزلتی) خانوار در محل کار خود بوده و پرسشگر به جای مصاحبه با وی که از بصیرت و آگاهی بالاتری نسبت به خانوار خود برخوردار است، با یکی از اعضاء خانوار و اغلب با مسن‌ترین آنها

مصاحبه می‌کند. این فرد پاسخ سؤالات تفصیلی را نمی‌داند و هر آنچه را که گمان برد بیان می‌دارد. در این شرایط با فنی‌تر شدن پرسشنامه و ریزتر شدن پرسش‌ها، حدود اعتماد به آن‌ها نیز تقلیل می‌یابد و در نتیجه یک اقدام بزرگ با پوشش همگانی را با ابهامات زیادی مواجه می‌سازد. درست به همین دلیل است که سرشماری از جمعیت را باید به موضوعات اصلی اختصاص داد و به شناخت دقیق‌تری از وضع ترکیب جمعیت، حالت‌ها و حرکت‌ها و ویژگی‌های مهم آن پرداخت و از طرح سؤال‌هایی که می‌توان پاسخ آن‌ها را از منابع دیگر به دست آورد خودداری کرد.

از سه ویژگی اصلی سرشماری، «جامع و مانع بودن تعریف‌ها و مفاهیم» از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در صورت رعایت آن قسمت مهمی از ویژگی سوم سرشماری یعنی قابل قیاس بودن داده‌ها و قیاس‌پذیر ساختن آن‌ها نیز خود به خود حاصل می‌شود. اهمیت سرشماری تنها در ارائه داده‌های توصیفی در مقاطع زمانی خاص نیست بلکه فراتر از آن باید روند تحول جمعیت و ویژگی‌های آن را به دست دهد این امر زمانی میسر می‌شود که «تعریف‌ها» ثابت بمانند و یا در صورتی که تغییری در آن‌ها داده شود امکان بازسازی مفاهیم به کار رفته در سرشماری‌های قبل حاصل آید و الا سرشماری مهم‌ترین خصلت خود یعنی عرضه اطلاعات لازم را برای شناخت تحول جمعیت از دست می‌دهد.

بررسی سرشماری‌های ایران نشان می‌دهد که تفاوت‌های فاحشی در تعاریف و مفاهیم سرشماری‌ها وجود داشته از یک طرف، تعریف‌ها و مفهوم‌های سرشماری‌های دوره ناصری و دوره اول پهلوی با سرشماری‌های سال ۱۳۳۵ و بعد از آن تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای دارند و از طرف دیگر برخی از تعاریف و مفاهیم سرشماری ۱۳۶۵ و آمارگیری جاری جمعیت سال ۱۳۷۰ نیز با سرشماری عمومی سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ متفاوت است و جدول‌بندی اطلاعات آماری در آن‌ها نیز به گونه‌ای صورت گرفته است که امکان قیاس‌پذیر ساختن داده‌های آن‌ها را هم دشوار و در مواردی ناممکن ساخته است.

با تغییر ابعاد مراکز جمعیتی به ویژه شهرهای بزرگ و تبدیل آن‌ها به کلان شهرها سرشماری از جمعیت آن‌ها مشکل‌تر می‌شود تجربه نشان داده است که هر چه اندازه مراکز جمعیتی بزرگ‌تر باشد سرشماری از جمعیت آن مراکز نیز مشکل‌تر و پوشش شمارشی آن نیز ناقص‌تر است. این امر به ویژه در شهرهای بزرگ و مراکزی که در معرض مهاجرت‌های شدید قرار دارند بیش‌تر است و به کم‌شماری محسوس‌تری می‌انجامد. هر چه طول مدت سرشماری بیش‌تر باشد کم‌شماری نیز بیش‌تر خواهد بود. یکی از علل این امر جا به جایی‌های معمولی و تغییر محل سکونت خانوارها در نواحی مختلف شهر است. معمولاً سرشماری از نقاط مختلف شهر آغاز و به صورت پیمایشی بلوک‌ها، حوزه‌ها و منطقه‌های آماری را در می‌نوردد و هر روز بخش‌هایی از سطح شهر را سرشماری کرده و به کنار می‌گذارد به ندرت اتفاق می‌افتد خانوارهایی را که محل سکونت خود را از نقاط سرشماری نشده به نواحی سرشماری شده تغییر داده‌اند مورد شمارش قرار دهد چه ماموران سرشماری تنها برای تکمیل پرسشنامه‌های ناقص به این نواحی برمی‌گردند و هرگز به فکر سرشماری خانوارهای تازه وارد نمی‌افتند چه این امر پرس و جوهای وسیع و پیمایش‌های مجدد سطوح سرشماری شده را می‌طلبد که چنین اقدامی اتمام کار سرشماری را تعلیق به محال می‌کند.

انتخاب زمان نامناسب برای سرشماری یکی دیگر از عوامل عمده کم‌شماری‌های جمعیتی است سرشماری باید وقتی صورت گیرد که جمعیت حالت استقرار عادی داشته باشد و اوضاع جوی نیز اختلالی در آمد و شد ماموران سرشماری در اقصی نقاط کشور ایجاد نکند. در اغلب کشورها استقرار عادی جمعیت با سپری شدن فصل تعطیلات تابستانی و یا تعطیلات میان فصلی و آغاز به کار مدارس شکل می‌گیرد و امکان دسترسی مامور سرشماری را به خانوارهای ساکن در محل تسهیل می‌کند. این وضع در ایران در نیمه اول مهرماه حاصل می‌شود و مناسب‌ترین زمان برای سرشماری هفته دوم و سوم مهرماه است. چه با موکول شدن سرشماری به آبان ماه مشکلات ناشی از بارش برف در نقاط کوهستانی بر مشکلات جاری افزوده می‌شود و با دیر و زودتر رسیدن فصل سرما جابجایی‌های عادی جمعیت

عشایری و خانوارهای کوچ رو را مختل می‌کند. به هنگام سرشماری سال ۱۳۵۵ و درست در سومین روز شروع سرشماری در استان‌های چهارمحال و بختیاری، بویراحمد و کهگیلویه و شهرستان‌های آذربایجان و همدان به علت برف و باران شدید و بسته بودن راه‌های ارتباطی مشکلات پیش‌بینی نشده‌ای ایجاد شد که بی‌تردید بر روی بازدهی کار ماموران و چگونگی سرشماری از جمعیت آن نقاط تاثیر منفی داشته است.

۳- تعریف و مفاهیم

جمعیت:

اعضاء همه خانوارهای معمولی ساکن، خانوارهای مؤسسه‌ای و خانوارهای گروهی که اقامتگاه معمولی آنان در زمان سرشماری در ایران قرار دارد و نیز اعضای کلیه خانوارهای معمولی غیرساکن کشور، جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد (در سرشماری‌های قبل از ۱۳۸۵ خانوارهای معمولی ساکن در قالب خانوارهای معمولی ساکن و دستجمعی تحت پوشش قرار گرفته‌اند).

اعضاء هیأت‌های سیاسی و سفارتخانه‌های خارجی در ایران و افراد خانواده آنان جزو جامعه مورد سرشماری (جمعیت کشور) محسوب نشده‌اند اما ایرانیان عضو هیأت‌های سیاسی و سفارتخانه‌های ایران در خارج از کشور و افراد خانواده آنان جزو جامعه مورد سرشماری (جمعیت کشور) به حساب آمده‌اند.

خانوار معمولی:

خانوار معمولی از چند نفر تشکیل می‌شود که با هم در یک اقامتگاه زندگی می‌کنند با یکدیگر هم خرج هستند و معمولاً با هم غذا می‌خورند. در مواردی خانوار معمولی می‌تواند یک نفره باشد.

خانوار معمولی ساکن:

آن دسته از خانوارهای معمولی که در اقامتگاه ثابت (مکان‌های محل سکونت ساخته شده از مصالح سخت و نیز چادر ثابت، آلونک، کپر و ...) سکونت دارند خانوار معمولی ساکن نامیده می‌شوند.

خانوار معمولی غیر ساکن:

خانوارهایی که در زمان سرشماری در اقامتگاه ثابتی سکونت نداشته‌اند خانوار معمولی غیر ساکن نامیده می‌شوند خانوارهای معمولی غیر ساکن شامل سه گروه ذیل هستند:

۱- خانوارهایی که در زمان سرشماری در کوچ به سر می‌برده‌اند و یا در خارج از شهرها و آبادی‌ها در سرپناه قابل حمل زندگی می‌کرده‌اند.

۲- خانوارهایی که در محل ثابتی زندگی نمی‌کنند و به طور مداوم محل زندگی خود را تغییر می‌دهند مانند کولی‌ها.

۳- خانوارهایی که در محل زندگی مشخصی ندارند و شب‌ها معمولاً در پارک‌ها، خرابه‌ها، زیرپل‌ها و ... به سر می‌برند.

خانوار دستجمعی:

مجموع افرادی که به دلیل داشتن هدف یا ویژگی‌های مشترک مانند انجام خدمت وظیفه، تحصیل، بیماری روانی و ... در یک مؤسسه از قبیل پادگان، خوابگاه دانشجویی، آسایشگاه روانی و ... با هم زندگی می‌کنند یک خانوار دستجمعی به حساب می‌آیند.

عنوان «خانوار دستجمعی» تا سرشماری ۱۳۷۵ مورد استفاده بوده ولی در سال ۱۳۸۵ عنوان «خانوار مؤسسه‌ای» جایگزین شده است.

پوشش خانوار دستجمعی نیز در سرشماری‌های مختلف تغییرات زیاد داشته است و با توجه به شرایط زمان سرشماری برخی از اعضاء خانوارهای دستجمعی در خانوارهای معمولی سرشماری شده‌اند. بیش‌ترین تغییرات در تعریف خانوار دستجمعی در سال ۱۳۶۵ به دلیل شرایط ناشی از جنگ تحمیلی صورت گرفته است.

خانوار مؤسسه‌ای:

مجموعه افرادی که به دلیل داشتن هدف یا ویژگی مشترک با هم در یک مؤسسه زندگی می‌کنند و آن مؤسسه بنا بر مجوز با بر اساس مقررات و ضوابط معینی مسئولیت منزل دادن به آنان را بر عهده دارد خانوار مؤسسه‌ای نامیده می‌شود.

به طوری که قبلاً اشاره شد عنوان خانوار مؤسسه‌ای در سال ۱۳۸۵ برای اولین بار مورد استفاده قرار گرفته است.

خانوار گروهی:

مجموعه افرادی که تمام یا اغلب آنان به دلیل دارا بودن شرایط خاص (به طور عمده داشتن ویژگی مشترک) اقامتگاه مشترکی را برای سکونت خود انتخاب کرده‌اند و به طور مشترک امور زندگی در آن اقامتگاه را اداره می‌کنند خانوار گروهی نامیده می‌شوند.

عنوان خانوار گروهی و تعریف مربوط به آن برای اولین بار در سرشماری سال ۱۳۸۵ مورد استفاده قرار گرفته است. اعضاء این نوع خانوارها در سرشماری‌های قبلی بیشتر تحت پوشش خانوارهای معمولی بوده‌اند اگر چه ممکن است در مواردی به عنوان خانوار دستجمعی نیز به حساب آمده باشند.

اقامتگاه معمولی:

اقامتگاه معمولی خانوار محلی است که خانوار در زمان سرشماری در آن زندگی می‌کرده است مشروط بر آن‌که اقامتگاه دیگری نداشته است. خانوارهایی که در زمان سرشماری بیش از یک اقامتگاه داشته است محلی است که بیش‌ترین مدت سال در آن‌جا به سر می‌برده است.

شهر (نقطه شهری):

منظور از شهر هر یک از نقاطی است که دارای شهرداری باشد. در سرشماری‌های قبل از ۱۳۶۵ شهر به نقطه‌ای اطلاق شده است که حداقل دارای ۵ هزار نفر جمعیت باشد.

آبادی (نقطه روستایی):

آبادی به مجموعه یک یا چند مکان و اراضی به هم پیوسته گفته می‌شود که خارج از محدوده شهرها واقع شده و دارای محدوده ثبتی یا عرفی مستقل باشد.

جمعیت ساکن در نقاط شهری:

منظور از جمعیت ساکن در نقاط شهری در هر یک از محدوده‌های استان یا کشور، جمعیت کلیه شهرهایی است که در همان محدوده قرار دارد و جمعیت هر شهر عبارت است از مجموع تعداد اعضای همه خانوارهای معمولی ساکن و دستجمعی (مؤسسه‌ای) و گروهی که اقامتگاه معمولی آنان در زمان سرشماری در آن شهر واقع است.

جمعیت ساکن در نقاط روستایی:

منظور از جمعیت ساکن در نقاط روستایی در هر یک از محدوده‌های استان و کشور، جمعیت کلیه آبادی‌هایی است که در همان محدوده قرار دارد و جمعیت هر آبادی عبارت است از مجموع تعداد اعضای خانوارهای معمولی ساکن و دستجمعی (مؤسسه‌ای) و گروهی که اقامتگاه معمولی آنان در زمان سرشماری در آن آبادی واقع است.

جمعیت غیر ساکن:

منظور از جمعیت غیر ساکن در هر یک از محدوده‌های استان و کشور جمعیت کلیه خانوارهای معمولی غیر ساکنی است که در آن محدوده سرشماری شده‌اند.

سن:

منظور از سن تعداد سال‌های کاملی است که از زمان تولد فرد گذشته است.

وضع زناشویی:

دارای همسر:

زنان یا مردانی که عقد ازدواج بسته‌اند اعم از این که در هنگام سرشماری با همسر خود زندگی مشترک داشته یا نداشته باشند دارای همسر به حساب می‌آیند.

بی همسر بر اثر فوت همسر:

مردان یا زنانی که همسرشان شهید شده یا فوت کرده است و تا زمان سرشماری مجدداً ازدواج نکرده‌اند بی همسر بر اثر فوت همسر شناخته می‌شوند.

بی همسر بر اثر طلاق:

زنان یا مردانی که از همسر خود بر اثر طلاق جدا شده و تا زمان سرشماری مجدداً ازدواج نکرده‌اند بی همسر بر اثر طلاق تلقی می‌شوند.

هرگز ازدواج نکرده:

زنان یا مردانی که تا زمان سرشماری همسر اختیار نکرده‌اند هرگز ازدواج نکرده شناخته می‌شوند.

با سواد:

کسانی که می‌توانند به فارسی یا هر زبان دیگری متن ساده‌ای را بخوانند و بنویسند خواه مدرک رسمی داشته یا نداشته باشند با سواد تلقی می‌شوند. همه محصلان از جمله نوآموزان سال اول ابتدایی و سوادآموزان نهضت سواد آموزی نیز با سواد به حساب می‌آیند.

شاغل:

افراد زیر شاغل به حساب می‌آیند:

افرادی که در هفت روز گذشته مطابق با تعریف کار و مصادیق آن حداقل یک ساعت کار کرده‌اند (کار: آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی است که به منظور کسب درآمد انجام شود و هدف آن تولید کالا یا ارائه

خدمت باشد) کسانی که در هفت روز گذشته حداقل یک ساعت کار نکرده‌اند ولی دارای شغلی هستند نیز شاغل محسوب می‌شوند.

تعریف شاغل در سال ۱۳۸۵ با دوره‌های قبلی تفاوت کرده و عمده‌ترین اختلاف در زمان مرجع است که در سرشماری‌های قبلی کسانی که شغل معتبر نداشته ولی در هفت روز گذشته حداقل دو روز کار کرده بود شاغل محسوب می‌شد در سال ۱۳۸۵ به یک ساعت در هفته تغییر یافته است.

محصل:

کسانی که شاغل یا بیکار نبوده و طبق برنامه‌های آموزش رسمی کشور در حال تحصیل هستند و یا در خارج از کشور تحصیل می‌کنند محصل قلمداد می‌شوند.

۴- توزیع جغرافیایی جمعیت و میزان رشد آن

طی سال‌های گذشته همواره سهم مناطق روستایی از جمعیت کاهش پیدا کرده و به جمعیت شهری اضافه شده است. درصد شهرنشینی یکی از معیارهای مهم سنجش جوامع از نظر توسعه صنعت و خدمات است. این شاخص یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی است، اگر چه امروزه در کشورهای در حال توسعه بیش‌تر از کشورهای توسعه‌یافته شهرهای بزرگ قارچ گونه رو به ازدیاد می‌باشند.

جدول ۱- جمعیت کشور بر حسب شهری، روستایی و غیرساکن

(هزار نفر)

سال	کل		شهری		روستایی و غیرساکن	
	تعداد	درصد تغییرات	تعداد	درصد تغییرات	تعداد	درصد تغییرات
۱۳۳۵	۱۸۹۵۵	-	۶۰۰۳	-	۱۲۹۵۲	-
۱۳۴۵	۲۵۷۸۹	۳۶/۱	۹۷۹۶	۶۳/۲	۱۵۹۹۳	۲۳/۵
۱۳۵۵	۳۳۷۰۹	۳۰/۱	۱۵۸۵۵	۶۱/۹	۱۷۸۵۴	۱۱/۶
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵	۴۶/۷	۲۶۸۴۵	۶۹/۳	۲۲۶۰۰	۲۶/۶
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵	۲۱/۵	۳۶۸۱۸	۳۷/۲	۲۳۲۳۸	۲/۸
۱۳۸۵	۷۰۴۹۶	۱۷/۴	۴۸۲۶۰	۳۱/۱	۲۲۲۳۶	-۴/۳

جدول ۲- سهم جمعیت شهری، روستایی و غیرساکن از کل (درصد)

سال	کل	شهری	روستایی و غیرساکن
۱۳۳۵	۱۰۰	۳۱/۴	۶۸/۶
۱۳۴۵	۱۰۰	۳۹/۱	۶۰/۹
۱۳۵۵	۱۰۰	۴۷/۰	۵۳/۰
۱۳۶۵	۱۰۰	۵۴/۶	۴۵/۷
۱۳۷۵	۱۰۰	۶۱/۳	۳۸/۷
۱۳۸۵	۱۰۰	۶۸/۵	۳۱/۵

جدول ۳- جمعیت شهری، روستایی و غیرساکن به تفکیک استان در سال ۱۳۸۵

استان	جمع	شهری		روستایی		غیر ساکن	
		تعداد	سهم	تعداد	سهم	تعداد	سهم
کل کشور	۷۰۴۹۵۷۸۲	۴۸۲۵۹۹۶۴	۶۸/۵	۲۲۱۳۱۱۰۱	۳۱/۴	۱۰۴۷۱۷	۰/۱
آذربایجان شرقی	۳۶۰۳۴۵۶	۲۴۰۲۵۳۹	۶۶/۷	۱۲۰۰۸۲۰	۳۳/۳	۹۷	ناچیز
آذربایجان غربی	۲۸۷۳۴۵۹	۱۷۲۴۹۵۴	۶۰/۰	۱۱۴۸۵۰۵	۴۰/۰	۰	-
اردبیل	۱۲۲۸۱۵۵	۷۱۵۵۹۷	۵۸/۳	۵۱۲۱۹۵	۴۱/۷	۳۶۳	ناچیز
اصفهان	۴۵۵۹۲۵۶	۳۷۹۸۷۲۸	۸۳/۳	۷۵۸۸۹۰	۱۶/۶	۱۶۳۸	ناچیز
ایلام	۵۴۵۷۸۷	۳۳۱۲۳۱	۶۰/۷	۲۱۰۷۰۳	۳۸/۶	۳۸۵۳	۰/۷
بوشهر	۸۸۶۲۶۷	۵۷۷۴۶۵	۶۵/۲	۳۰۳۴۰۹	۳۴/۲	۵۳۹۳	۰/۶
تهران	۱۳۴۲۲۳۶۶	۱۲۲۶۰۴۳۱	۹۱/۳	۱۱۶۱۸۸۹	۸/۷	۴۶	ناچیز
چهارمحال و بختیاری	۸۵۷۹۱۰	۴۴۲۲۹۸	۵۱/۶	۴۱۴۶۲۴	۴۸/۳	۹۸۸	۰/۱
خراسان جنوبی	۶۳۶۴۲۰	۳۲۶۶۹۵	۵۱/۳	۳۰۸۳۰۵	۴۸/۴	۱۴۲۰	۰/۲
خراسان رضوی	۵۵۹۳۰۷۹	۳۸۱۱۹۰۰	۶۸/۲	۱۷۷۹۹۸۰	۳۱/۸	۱۱۹۹	ناچیز
خراسان شمالی	۸۱۱۵۷۲	۳۹۲۴۵۸	۴۸/۴	۴۱۴۳۶۵	۵۱/۱	۴۷۴۹	۰/۶
خوزستان	۴۲۷۴۹۷۹	۲۸۷۳۵۶۴	۶۷/۲	۱۳۸۳۹۴۶	۳۲/۴	۱۷۴۶۹	۰/۴
زنجان	۹۶۴۶۰۱	۵۵۹۳۴۰	۵۸/۰	۴۰۵۲۶۱	۴۲/۰	۰	-
سمنان	۵۸۹۷۴۲	۴۴۰۵۵۹	۷۴/۷	۱۴۹۱۸۳	۲۵/۳	۰	-
سیستان و بلوچستان	۲۴۰۵۷۴۲	۱۱۹۳۱۹۸	۴۹/۶	۱۲۰۶۵۴۷	۵۰/۲	۵۹۹۷	۰/۲
فارس	۴۳۳۶۸۷۸	۲۶۵۲۹۴۷	۶۱/۲	۱۶۵۰۶۱۴	۳۸/۱	۳۳۳۱۷	۰/۸
قزوین	۱۱۴۳۲۰۰	۷۷۷۹۷۵	۶۸/۱	۳۶۵۲۰۳	۳۱/۹	۲۲	ناچیز
قم	۱۰۴۶۷۳۷	۹۸۳۰۹۴	۹۳/۹	۶۳۶۳۹	۶/۱	۴	ناچیز
کردستان	۱۴۴۰۱۵۶	۸۵۵۸۱۹	۵۹/۴	۵۸۴۳۳۷	۴۰/۶	۰	-
کرمان	۲۶۵۲۴۱۳	۱۵۵۲۵۱۹	۵۸/۵	۱۰۸۹۷۴۸	۴۱/۱	۱۰۱۴۶	۰/۴
کرمانشاه	۱۸۷۹۳۸۵	۱۲۵۵۳۱۹	۶۶/۸	۶۱۸۷۱۸	۳۲/۹	۵۳۴۸	۰/۳
کهگیلویه و بویراحمد	۶۳۴۲۹۹	۳۰۲۱۹۲	۴۷/۶	۳۲۹۸۴۹	۵۲/۰	۲۲۵۸	۰/۴
گلستان	۱۶۱۷۰۸۷	۷۹۵۱۲۶	۴۹/۲	۸۱۹۵۸۴	۷۵۰	۲۳۷۷	۰/۱
گیلان	۲۴۰۴۸۶۱	۱۲۹۵۷۵۱	۵۳/۹	۱۱۰۹۱۰۴	۴۶/۱	۶	ناچیز
لرستان	۱۷۱۶۵۲۷	۱۰۲۰۱۵۰	۵۹/۴	۶۹۱۴۴۸	۴۰/۳	۴۹۲۹	۰/۳
مازندران	۲۹۲۲۴۳۲	۱۵۵۴۱۴۳	۵۳/۲	۱۳۶۸۲۳۳	۴۶/۸	۵۶	ناچیز
مرکزی	۱۳۵۱۲۵۷	۹۳۲۰۷۳	۶۹/۰	۴۱۹۱۸۴	۳۱/۰	۰	-
هرمزگان	۱۴۰۳۶۷۴	۶۶۱۳۲۵	۴۷/۱	۷۴۰۶۰۵	۵۲/۸	۱۷۴۴	۰/۱
همدان	۱۷۰۳۲۶۷	۹۸۰۷۷۱	۵۷/۶	۷۲۱۲۲۵	۴۲/۳	۱۲۷۱	۰/۱
یزد	۹۹۰۸۱۸	۷۸۹۸۰۳	۷۹/۷	۲۰۰۹۸۸	۳۰/۳	۲۷	ناچیز

به طوری که در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌شود رشد جمعیت شهری با رشد جمعیت روستایی در کشور ما قابل مقایسه نیست، جمعیت شهری از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۴۵ معادل ۶۳/۲ درصد افزایش یافته و در دهه بعد هم با حدود ۲ درصد کمتر به روند خود ادامه داده است ولی افزایش جمعیت روستایی و غیرساکن که در فاصله ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ برابر ۲۳/۵ درصد بوده در دهه بعد به ۱۱/۶ درصد کاهش یافته است. در واقع کاهش رشد جمعیت در فاصله ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ با مهاجرت روستاییان به شهرها بیش‌تر خود را در مناطق روستایی نمایان ساخته است ولی رشد بی‌رویه جمعیت در سال‌های اول انقلاب ضمن این‌که موجب افزایش ۶۹/۳ درصدی طی ۱۰ سال در نقاط شهری شده است، جمعیت روستایی را نیز متاثر ساخته و شاهد افزایش ۲۶/۶ درصد جمعیت روستایی و غیرساکن در فاصله ۱۳۵۵ تا ۶۵ هستیم. با کنترل رشد جمعیت در دهه ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ جمعیت شهری طی ده سال مذکور ۳۷/۲ درصد اضافه شده است. ولی جمعیت روستایی فقط ۲/۸ درصد افزایش یافته است. این اختلاف ناشی از مهاجرت روستاییان به نقاط شهری و تبدیل نقاط روستایی به شهر بوده است.

روند مذکور در دهه ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ نیز ادامه یافته است. جمعیت کشور طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ معادل ۱۷/۴ درصد افزایش یافته است که ۴/۱ درصد از دهه قبل از آن کم‌تر است و این کاهش مشخصاً در جمعیت نقاط روستایی و غیرساکن اتفاق افتاده است. جمعیت روستایی و غیر ساکن کشور برای اولین بار طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ نه تنها افزایش پیدا نکرده، بلکه کاهش نیز داشته است.

در جداول ۲ و ۳ میزان شهرنشینی در کشور ارایه شده است این شاخص که از رابطه:

$$PU = \frac{U}{P} \times 100$$

حاصل می‌شود و در آن PU شاخص شهرنشینی، U جمعیت شهری و P کل جمعیت است این شاخص برای سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ محاسبه و در جدول ۲ درج شده است. طی ۵۰ سال مورد بررسی سهم جمعیت شهری و روستایی از کل جمعیت درست برعکس شده است. بدین معنی که در سال ۱۳۳۵